

راه کارهای اقتصاد مقاومتی و تهاجمی در سیره نبوی

mirsane62@gmail.com

سیدمحمدحسین میرصانع / کارشناس ارشد علوم حدیث حوزه علمیه قم

پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۹

دریافت: ۹۷/۰۴/۱۷

چکیده

بهبود وضعیت اقتصادی، جزء مهم ترین اهداف تشکیل یک ملت محسوب می شود. یافتن راه کارهای رسیدن به این امر، همواره مهم ترین رکن یک نظام اقتصادی بوده و زمانی این راه کارها اهمیت بیشتری می یابد که آن ملت، با فشارهای اقتصادی روبه رو باشد. در چنین شرایطی باید نظام اقتصاد مقاومتی را برگزید. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی تلاش می کند تا با بررسی سیره نبوی به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می توان اقتصاد مقاومتی مطلوب را در جامعه ایجاد و نه تنها از سیطره اقتصادی دشمنان خارج شد، بلکه راه کارهای اقتصاد تهاجمی را نیز مورد بررسی قرار می داد. براین اساس، با بیان راه کارهای پیامبر اکرم ﷺ در مسیر اقتصاد مقاومتی تا اقتصاد تهاجمی، بر این نکته تأکید دارد که پیامبر در شعب ابی طالب، با اقتصاد مقاومتی خود، به رفع موانع اقتصادی دشمن پرداخت، و سپس با ممانعت از سیطره اقتصادی کفار قریش، به ایجاد رفاه اقتصادی اقدام نمود. این عوامل موجب گردید تا پیامبر اکرم ﷺ در آخرین مرحله، به اقتصاد تهاجمی روی آورده، و دشمنان اسلام را از نظر اقتصادی با شکست مواجه سازد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد در اسلام، رفاه اقتصادی، تحریم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی.

مقدمه

آسیب‌پذیری، به مقاوم‌تر کردن پایه‌های اقتصادی کمک نماید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)؛ یعنی با یک برنامه مناسب، نه تنها آن ملت می‌تواند از زیر فشارها و تحریم‌های دشمنان خود بیرون آید، بلکه می‌تواند از نظر اقتصادی شکوفا گردد.

بارزترین الگوی اقتصاد مقاومتی در سیره نبوی در زمان شعب ایطالب رخ داد. تحریم اقتصادی در این زمان، بسیار شدید بوده و موجب شد که ایشان همه سعی خود را برای غلبه بر فشارهای کفار قریش انجام دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توانست در طول سه سال (فتال نشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۳؛ رواندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۵)، با آموزه‌های اسلامی بر تحریم‌های اقتصادی که از سوی قریش بر آنان تحمیل شده بود غلبه کند و به گونه‌ای این رویداد مهم تاریخی را مدیریت کند که نه تنها تحریم بر آنان تأثیر چندانی نداشت، بلکه روز به روز، پایه‌های اسلام را تقویت می‌کرد.

بنابراین، در اینجا نظام اقتصاد مقاومتی را با الگوبرداری از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شعب ایطالب تبیین می‌کنیم.

الف. استفاده از موقعیت خاص مکانی

اولین رکن مهم اقتصاد مقاومتی، شناسایی موقعیت سیاسی، تجاری، نظامی و اقتصادی مکانی است که فرد در آنجا زندگی می‌کند. هر فردی، باید از همه امکانات و موقعیت‌های پیرامون، به نفع وضعیت اقتصادی خود بهره‌گیری و حتی اگر در شرایطی نامساعد قرار گرفت، باز هم از موقعیت به‌وجودآمده، نهایت استفاده را ببرد.

این مهم را می‌توان در سیره نبوی مطالعه نمود. چنانچه تحریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم و رفتن به شعب ایطالب ناخواسته صورت گرفت. اما پیامبر صلی الله علیه و آله سعی نمود تا بر شرایط موجود غلبه کند. شعب ایطالب، در مسیر کاروان‌های تجاری بود که به مکه می‌رفتند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این موقعیت خاص استفاده می‌کرد. در ایام موسم حج واجب و عمره، از کاروان‌هایی که برای حج حاضر می‌شدند، خرید می‌کرد (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۶). همچنین، نزدیک بودن شعب ایطالب به مکه، این فرصت را برای بنی‌هاشم فراهم می‌کرد تا مخفیانه به حاضران در شعب، خوراکی و مواد غذایی بفروشند. چنانچه در کتب تاریخی آمده است: «آنان... چیزی به دستشان نمی‌رسید، جز آنچه که

علم اقتصاد اسلامی، عبارت است از: بررسی محدوده‌ای از مطالعات، که بر فرض وجود، اصول موضوعه اسلامی در محیط اجتماعی - سیاسی - قانونی و وجود نظام ارزش‌ها و اخلاقیاتی که رفتار اقتصادی زنان و مردان را در جامعه اسلامی هدایت می‌کند، مبتنی است (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲). با توجه به این تعریف، مهم‌ترین هدف این نظام، نیل بشر به سوی ارزش‌ها و اخلاقیاتی است که منشأ آنها جامعه اسلامی است؛ یعنی رسیدن به جامعه فاضله‌ای که پیامبران و ائمه الهی برای آن تلاش کرده‌اند.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می‌تواند الگوی مناسبی برای استخراج یک نظام هدفمند اقتصادی باشد؛ زیرا ایشان پس از غلبه بر تحریم‌های دشمنان اسلام در شعب ایطالب، توانستند با یک برنامه‌ریزی مناسب، زمینه رشد اقتصادی جامعه را فراهم نمایند. الگوبرداری از این نظام اقتصادی، برای هر جامعه‌ای، که درصدد رسیدن به یک الگوی اقتصادی است، می‌تواند بسیار مفید باشد؛ زیرا از یک سو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمامدار حکومت اسلامی بوده و همواره بهترین الگو را در راستای بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان ارائه می‌داد، و از سوی دیگر، با بررسی این راهکارها، می‌توان برنامه‌ای منظم و هدفمند برای حل مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان ارائه داد. بنابراین، این مقاله می‌تواند فرهنگ چگونگی ایجاد ارکان حماسه اقتصادی در جامعه اسلامی را تبیین نماید.

کتاب‌ها و مقالات بسیاری در عرصه اقتصاد اسلامی نوشته شده است که اکثر آنها، با اشاره به تمامی موارد اقتصادی اسلام، از جمله ربا، صدقه، زکات و... به مباحث کلی پرداخته و به بررسی اقتصاد مقاومتی و راهکارهای آن پرداخته‌اند. آنچه که امروز از اهمیت بالایی برخوردار بوده، یافتن راهکارهای اقتصاد مقاومتی و در صورت امکان رسیدن به مرحله اقتصاد تهاجمی است.

این مقاله، به بررسی سیره نبوی و راهکارهای ایشان در اقتصاد مقاومتی و تهاجمی می‌پردازد. بنابراین، این مقاله با توجه به نیاز امروز جامعه اسلامی، می‌تواند الگوی مناسبی برای پیشرفت اقتصادی کشور باشد.

۱. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، به معنای وجود یک روند رو به رشد، در زیر فشارهای اقتصادی دشمنان است؛ مسیری که علاوه بر کاهش

توسط دشمنان بسته می‌شود. در این زمان، شناسایی منابع موجود و استفاده بهینه از آنها اهمیت می‌یابد.

پیامبر اکرم ﷺ و بنی‌هاشم، برای جلوگیری از فشارهای وارده، از منابع موجود، بهترین استفاده را می‌بردند. چنانچه آمده است: «آنان گیاهان تازه و برگ‌های درختان را هم خوردند، به حدی که گیاهی در آنجا باقی نمانده بود» (حسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۳). در گزارشی دیگر آمده است: فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که سعد وقاص می‌گوید: «شی از میان دره بیرون آمدم، درحالی که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و شستم و سوزاندم و کوبیدم، بعد با آب مختصری خمیر کرده، و از این طریق سه روز به سر بردم» (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۳).

بنابراین، یکی از عواملی که سختی‌های شعب ابطالب را بر مسلمانان تحمل‌پذیر می‌کرد، بهره‌جستن از همه امکانات موجود بود.

د. بهره‌جستن از عقاید مذهبی

شناخت عقاید دینی و مذهبی دشمنان، در پیشبرد اهداف اقتصادی نقش بسزایی دارد. بدین صورت، می‌توان از تمامی سخنان و عقاید آنان آگاهی پیدا کرده و برای خروج از فشارهای اقتصادی، از این عقاید بهره کامل برد. این امر، یکی از مهم‌ترین عواملی بود که پیامبر ﷺ از آن در مدیریت بحران اقتصادی شعب ابطالب، بهره‌جست. پیامبر اسلام ﷺ این را می‌دانست که قبیله قریش، معتقد به حرمت جنگ و خونریزی در ماه‌های حرام بودند. بنابراین، از این فرصت استفاده کرده، در این ماه‌ها برای خرید و فروش اجناس موردنیاز خود، از شعب خارج می‌شدند و مایحتاج خود را تهیه می‌کردند. طبرسی می‌نویسد:

حضرت رسول ﷺ چهار سال در شعب ماند در این مدت کسی با آنها معامله و رفت و آمد نمی‌کرد و آنان جز در موسم حج که از شعب خارج می‌شدند و خرید و فروش می‌کردند، با مردم سخن می‌گفتند در ایام دیگر همواره در شعب بودند و ارتباط آنها با خارج قطع بود. در مکه سالی دو مرتبه ایام موسم پیش می‌آمد، اول در ماه رجب که برای عمره حاضر می‌شدند، و دوم در ماه ذی‌حجه که برای حج [متعم] می‌رفتند، بنی‌هاشم فقط در این دو موسم می‌توانستند آذوقه خود را تهیه کنند و در بقیه ایام قادر نبودند با مردم رابطه برقرار کنند، و لذا در ناراحتی فوق‌العاده بسر می‌بردند (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۶).

توسط افرادی که در پناه قریش بودند، مخفیانه برای ایشان می‌آمد» (حسنی، ۱۴۱۶ق، فصل پنجم، ص ۱۸۳).

بنابراین، استفاده از موقعیت جغرافیایی مکان زندگی، این امکان را می‌دهد که فرد با استفاده از این موقعیت، از جمله ایجاد روابط تجاری و استفاده از همسایگان خود، بر تحریم‌ها غلبه کند.

ب. اعتماد و اتکا به یاران

یکی دیگر از راه‌های مدیریت اوضاع اقتصادی، اتکا به دوستان و کسانی بود که با ایمان خود، همواره یاریگر مسلمانان بودند. پیامبر اکرم ﷺ و ابوطالب ؓ برای تأمین نیازهای خود، هیچ‌گاه دست خود را به سوی قریش بلند نکردند و همواره از کسانی یاری می‌خواستند که از همه اموال خود، برای آسایش پیامبر دریغ نمی‌کردند. در منابع تاریخی آمده است: «خدیجه، زوجه پیامبر ﷺ اموال زیادی داشت که همه را در راه پیغمبر خرج کرد» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۵).

بعضی صحابه، که از امضای صحیفه علیه بنی‌هاشم، خودداری کرده بودند، سعی می‌کردند تا به پیامبر ﷺ کمک نمایند. هشام بن عمرو، از جمله افرادی بود که شب‌ها یک شتر با بار انواع خوراک و خرما، به دهانه شعب می‌آورد و بدین وسیله، به پیامبر اکرم ﷺ و یارانش کمک می‌نمود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۵۹). از جمله کسانی که به پیامبر یاری می‌رساند، ابو‌العاص بن ربیع، داماد رسول اکرم ﷺ بود. وی هنگامی که با کاروان به نزدیک شعب می‌رسید، مقداری گندم و خرما به آنجا می‌برد تا بنی‌هاشم از این خرماها استفاده کنند. پیغمبر نیز درباره او فرمود: «ابو‌العاص حق دامادی ما را ادا می‌کند» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

این کارها حکایت از این دارد که پیامبر برای مدیریت اوضاع اقتصادی و جلوگیری از تحریم، سعی بر آن داشت تا با کمک یاران و اصحابش، استقلال خود را حفظ کند و هرگز محتاج به اموال قریش نشود و راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان باز ننماید.

ج. استفاده بهینه از منابع موجود

استفاده از منابع موجود، از مهم‌ترین ارکان یک نظام اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. یک ملت، وقتی زیر فشارها و تحریم‌های دشمنان خود قرار می‌گیرد، طبیعتاً راه رسیدن بسیاری از کالاهای موردنیاز،

هجرت داشت، لازم بود در ساختار این وطن جدید، سهمی ارزنده داشته باشد و در حفظ و حمایت و سرافرازی آنان تلاش کند؛ زیرا شرایط مکه، به گونه‌ای بود که قدرت بسیار زیاد دشمن، آنان را خانه‌نشین و ناتوان کرده و همه امور سیاسی و اقتصادی در اختیار کفار قریش بود. از سوی دیگر، مسلمانان توانایی تشکیل یک جامعه اسلامی را نداشتند. اما در مدینه، کار مسلمانان از همان روز نخست هجرت، در دست خودشان بود و کسی یاری مقابله با آنان را نداشت.

ب. اتحاد داخلی

یکی از عوامل مهم در نظام اقتصادی و جلوگیری از سیطره دشمنان بر اقتصاد یک ملت، هماهنگی و اتحاد بین مردم و اقوام مختلف است؛ زیرا در صورت بروز اختلاف، نیروی کفار برای تخریب اسلام و سیطره بر آنان افزایش می‌یابد. بنابراین، حفظ وحدت و انسجام اجتماعی بین این ارکان بسیار اهمیت دارد.

پیامبر اکرم ﷺ در هنگام بروز اختلاف بین دو قبیله مهم اوس و خزرج، سعی بر اتحاد بین آنها نمود؛ زیرا درگیری‌های میان دو قبیله، که رکن مهم اقتصادی مدینه محسوب می‌شدند، موجب می‌گردید تا یهود خود را بر اوضاع اقتصادی مدینه حاکم ببینند (حسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵). در زمان اختلاف این دو قبیله، یهودیان مدینه، اموال و زندگی مردم عرب را برای خود جایز می‌دانستند و از آن سوءاستفاده می‌کردند و می‌گفتند: [چون ما اهل کتابیم] رعایت نکردن حقوق غیر اهل کتاب بر عهده ما نیست، [و در ضایع کردن حقوق دیگران گناه و عقوبتی نداریم] (آل عمران: ۷۵).

یهودیان توانسته بودند بر اقتصاد مدینه سیطره کامل داشته باشند؛ آنان در خرید و فروش، سود زیادی از اعراب می‌گرفتند و به سران و بزرگان عرب وام می‌دادند و آنان را وادار به مدح و ستایش خود می‌کردند آنان با این روش توانستند آوازه و شهرت زیادی میان مردم به دست آورند. همچنین، یهودیان در مقابل وام‌هایی که به اعراب می‌دادند زمین، باغ و محصولات کشاورزی آنان را به گرو می‌گرفتند پس از چند سال، آن را به تصرف خویش در می‌آوردند. این امر، اقتصاد مدینه را به شدت تهدید می‌کرد (حسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵).

پیامبر اکرم ﷺ بر این امر واقف بود که یهود می‌تواند با اختلاف بین این دو قبیله، سیطره خود را بر یشتر نماید و با این آگاهی، اقدام به صلح میان این دو قبیله مهم مدینه، نمود. در مفاد پیمان صلح میان اوس و خزرج، غلبه مسلمانان بر یهود، به روشنی

همچنین، بازرگانان عرب فقط در سایه صلح و امنیت می‌توانستند به خوبی تجارت کنند و همواره از جنگ و خونریزی، آن هم در بازارهای مهم خود، یعنی «عکاظ»، «ذی المجاز» و... که محل مهم دادوستد تجار محسوب می‌شد، خودداری می‌کردند. پیامبر ﷺ نیز با آگاهی از این موضوع مهم، در ماه‌های حرام و در این بازارها، مایحتاج بنی‌هاشم را تهیه می‌نمودند.

بنابراین، شناخت عقاید عرب، در کسب و کار؛ یعنی شناسایی اماکن اقتصادی مهم و دوری آنان از هرگونه جنگ و خونریزی در ماه‌های حرام، به پیامبر اکرم ﷺ کمک می‌کرد تا بتواند حداقل مایحتاج موردنیاز کسانی را که در محاصره اقتصادی به سر می‌بردند، تهیه نماید.

۲. ممانعت از سیطره اقتصادی دشمنان

ایجاد مانع گسترش دین مبین اسلام، مهم‌ترین دلیل دشمنان و کفار برای ضربه زدن به پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌شد. ایشان در این زمینه، از هیچ کاری دریغ نمی‌کردند. بنابراین، تشکیل یک جامعه متمدن اسلامی و ایجاد همبستگی و اتحاد بین مردم، می‌توانست این حصار را از بین ببرد. در این راستا، پیامبر اعظم ﷺ دست به اقدامات مهمی زد که در ذیل به آنها اشاره می‌نماییم.

الف. تشکیل تمدن اسلامی

تشکیل یک تمدن اسلامی و ممانعت از سیطره دشمنان، مهم‌ترین گام برای رسیدن به یک نظام اقتصادی مطلوب بود. آنچه که در این مسیر مهم به نظر می‌رسد، برپایی این نظام در یک جامعه متمدن و اسلامی است؛ زیرا در جامعه‌ای که دشمنان کاملاً سیطره داشته باشند، نمی‌توان اهداف اسلامی را پایه‌ریزی کرد. باید این نظام را در جامعه‌ای مستقل تشکیل داد. پیامبر اکرم ﷺ، درباره اهمیت هجرت به خاطر حفظ اسلام می‌فرماید: «هر کس با دین داری از سرزمینی به سرزمین دیگر، اگر چه به اندازه یک وجب، هجرت کند، سزاوار بهشت است» (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۳). هجرت، تنها به معنای رهایی از آشوب، استهزا و اذیت و آزار نیست، بلکه کمک به برپایی جامعه‌ای متمدن است. چنانچه هجرت مسلمانان به حبشه، در شرایطی که آنان به شدت تحت فشار بودند، نه تنها رهایی از آزار کفار قریش بود، بلکه این امر، به تشکیل یک حکومت متمدن اسلامی کمک بسیار کرد.

در زمان هجرت به مدینه نیز بر هر فرد مسلمانی که توانایی

اسلام بود. این نکته، که مردم نباید از حاکم اسلامی هراسی داشته باشند و چگونگی نیازسنجی حاکم از مردم، در سیره نبوی از اهمیت بالایی برخوردار بود. در حقیقت، گام نخست برای نیازسنجی اقتصادی مردم محسوب می‌شد.

ب. تقسیم عادلانه بیت‌المال

«بیت‌المال» در اصل خانهای برای نگاهداری اموال همگانی بود. امروزه این واژه، درباره خود آن اموال به کار می‌رود. بیت‌المال، و به تعبیری، اموال عمومی و دولتی، زیر نظر فرمانروای امت اسلام اداره می‌شد. تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام، به دو روش تقسیم مساوی و تقسیم همراه با تفضیل انجام می‌شد. این رویه، جدای از رویکرد اسلامی، به دلیل توجه خاص به محرومان است. بی‌تردید رسیدگی به محرومان و مستضعفان اقتصادی و اجتماعی، مبتنی بر آموزه‌های دینی و سیره قطعی معصومان است. حاکم اسلامی موظف است از اموال تحت اختیار خود و نیز از همه ظرفیت‌های حکومتی، برای رفع محرومیت از چهره جامعه اسلامی بهره گیرد. این مهم، بسته به ظرفیت‌های زمانی، مکانی و نیز امکانات حکومت اسلامی، تغییرپذیر است.

روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تساوی و عدم ترجیح فرد یا گروهی بر دیگران بود. امیرمؤمنان علی رضی الله عنه، که در خلافت خود به همین روش روی آورد، در پاسخ به اعتراض طلحه و زبیر فرمود: «آیا رسول خدا بیت‌المال را به تساوی میان مسلمانان تقسیم نمی‌کرد؟... این روشی نبود که به رأی خود و یا با خواسته دل خود انجام داده باشم، بلکه من و شما این‌گونه رفتار را از دستورالعمل‌های رسول خدا آموختیم، که چه حکمی آورد و چگونه آن را اجرا فرمود...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۶).

رویکرد امیرمؤمنان رضی الله عنه در تقسیم بیت‌المال، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. ایشان هیچ‌گاه فردی را بر فرد دیگر ترجیح نمی‌داد و تقسیم عادلانه بیت‌المال را سیره خود قرار داده بود.

ج. ترغیب مردم به مشارکت در امور اقتصادی

از دیگر مواردی که می‌توان در سیره نبوی برای رفاه اقتصادی مردم مشاهده کرد، رسیدگی به اوضاع و مهاجران و انصار و مشارکت آنان در امور اقتصادی جامعه بود. انصار، در همه اموال خود، مهاجران را سهیم کرده بودند، اما به هر حال ایجاد یک زندگی مستقل برای مهاجران، از مسائلی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن فکر می‌کرد و

دیده می‌شود و از آنان در صورتی که یاری مسلمانان کنند، دعوت به عمل آمده است. چنانچه در مفاد این عهدنامه، وارد شده است: «... هر کس از یهودیان از ما پیروی کند از یاری و مساوات ما برخوردار خواهد بود، بدون آنکه به وی ستم شود و یا کسی را بر ضد او یاری کنند» (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۵۷۴).

بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صلح میان اوس و خزرج، این سلطه را از میان برداشت و با ایجاد یک تمدن اسلامی، سعی بر آن کرد تا منابع اقتصادی مدینه را در اختیار مسلمانان قرار دهد و از سیطره دشمنان اسلام ممانعت به عمل آورد.

۳. رفاه اقتصادی

رفاه اقتصادی عبارت است از: افزایش سهم سرانه حجم کالاها و خدمات قابل مصرف در جامعه؛ بدین معنا که اگر در یک سال، جمعیت کشور سه درصد افزایش یابد و در همین مدت، به حجم کالاها و خدمات قابل مصرف، اعم از چه کالاها و خدمات قابل خرید و چه غیرقابل خرید یا اختصاصی و یا مجانی، چهار درصد افزوده شود، مطابق تعریف، باید گفت: در کشور، نسبت به سال گذشته رفاه اقتصادی به وجود آمده است.

بنابراین، در رفاه اقتصادی، باید هم نیازسنجی موردنیاز برای کالاها صورت گیرد و هم بتوان نیاز مردم را در مشکلات و سختی‌ها شناسایی نمود و بتوان با اقدامات و خدمات لازم، به رفاه اقتصادی رسید شیوه رسیدن مردم به رفاه اقتصادی، توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌تواند الگوی مناسبی باشد.

الف. اهتمام به نیازسنجی افراد جامعه

برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از منابع و رسیدن به رفاه اقتصادی، مستلزم شناخت نیازهای مردم است. در اسلام، حتی به چگونگی نیازسنجی هم بسیار اهمیت داده شده است. چنانچه امام صادق رضی الله عنه در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله و «راز مزاج» حضرت با اصحاب، می‌فرماید: «از رأفت و مهر پیامبر این بود که با یارانش «مزاج» می‌کرد تا عظمت و ابهتش، دل آنها را نگیرد و بتوانند به او نگاه کرده، حوائج خود را بازگویند» (شهید ثانی، ۱۳۹۰ق، ص ۸۲).

این نوع برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله، را می‌توان از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد که یکی از این موارد، نوع برخورد ایشان با مردم، به خاطر آسایش آنان در سؤال کردن و درخواست حاجت خود از پیامبر

نمود. سعد به عبدالرحمن گفت: ثروت و سرمایه من از همه انصار بیشتر است؛ آن را تقسیم و نصفش را به تو تقدیم می‌کنم. و دو زن دارم، هر کدام را پسندیدی، او را طلاق داده و پس از پایان عده با او ازدواج کن. عبدالرحمن گفت: خداوند زن و مال و ثروت را برایت مبارک گرداند، راه بازار را به من نشان دهید. سپس او را به بازار بنی قینقاع هدایت کرد. هرگاه باز می‌گشت، مقدار زیادی کشک و روغن سود می‌برد و همراه خود می‌آورد. روزها پی در پی این کار را ادامه داد تا هم سرمایه‌ای گرد آورد و هم ازدواج کرد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۲۲).

این نوع برخورد انصار، نشان از اهمیت آنان به رفاه اقتصادی سایر مسلمانان بود و در این راه، با پیامبر اکرم ﷺ مشارکت داشتند. این نوع عقیده، ناشی از نوع صحیح برخورد پیامبر اسلام ﷺ در ترغیب مسلمانان، به مشارکت در امور اقتصادی بود.

د. تقویت ایمان

مسئله اقتصاد، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشری در همه ادیان، مطرح است. و اسلام نیز نگرش خاصی به آن دارد. در نگرش دین اسلام، ایمان به خداوند و تقسیم رزق و روزی از سوی خداوند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است چنانچه امام صادق علیه السلام به هنگام موعظه مردم و منع آنان از حرص برای اکتساب روزی، می‌فرماید: «و اگر رزق مقسوم است، پس حرص برای چیست؟» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۵۸۳۶).

بنابراین، ایمان داشتن به تقسیم رزق و روزی از سوی خداوند متعال، یکی از مهم‌ترین ارکان دین اسلام، در راستای رسیدن به رفاه اقتصادی محسوب می‌شود؛ چراکه خداوند خود روزی را تضمین کرده است. چنانچه در اهمیت ارتباط بین روزی و ایمان در قرآن کریم، آمده است: «و اگر مردم ایمان آورده و پرهیزگار بودند، ما ابواب برکات زمین و آسمان را بر آنها گشوده بودیم» (اعراف: ۹۶).

پیامبر اکرم ﷺ با این دیدگاه، سعی در تقویت ایمان امت خود کرد. چنانچه، در قضیه انصار و مهاجران، به نحوی برخورد نمود که انصار با همه وجود، به پیامبر ایمان آورده، حاضر به تقسیم همه اموال خود با مهاجران شدند. انصار، با ایمان به پیامبر هرگز در پذیرش خواسته‌های وی، تردیدی به خود راه نمی‌دادند. چنان که از ابوهریره نقل شده است که: «انصار به پیامبر گفتند: میان ما و برادران مهاجران نخلستان‌ها را تقسیم

اقداماتی را نیز در این راه انجام داد. از جمله این اقدامات، مشارکت دادن آنان در بهبود وضعیت اقتصادی مهاجران بود.

پیامبر اکرم ﷺ با ایجاد انگیزه در انصار، آنان را به مشارکت در دادن وجوهات، به نیازمندان واقعی تشویق می‌نمود و با این اقدام، مهاجران با دریافت وجوهات بیشتری از بیت‌المال، توانستند زندگی به‌جای‌مانده خود را در مدینه بازسازی کنند.

پیامبر اکرم ﷺ برای این کار، از زمین‌های یهودیان بنی‌نضیر استفاده کرد؛ زیرا آنان کشاورز بودند و بیشتر اموالشان را نخلستان و زمین‌های زراعی تشکیل می‌داد. از آنجاکه اموالشان بدون جنگ و درگیری به دست آمده بود، فعی و از اموال بیت‌المال به حساب می‌آمد و متعلق به خود آن حضرت بود. ایشان نیز انصار را جمع کرده، و از دادن این اموال به مهاجران تشویق نمود. پیامبر ﷺ همه انصار را جمع کرد و برای آنان سخن گفت. سپس از محبت‌های ایشان به مهاجران و اینکه ایثار کرده، مهاجران را بر خود ترجیح داده، آنان را در منازل خویش سکونت داده‌اند، یاد کرد. آن‌گاه خطاب به انصار فرمود: «اگر دوست داشته باشید آنچه را خداوند از بنی‌نضیر بر من غنیمت داده میان شما و مهاجران تقسیم کنم و مهاجران همچنان در خانه‌های شما باشند و از اموال شما استفاده کنند و اگر دوست داشته باشید به مهاجران بدهم و آنها از خانه‌های شما بیرون بروند».

سعد بن عباد و سعد بن معاذ گفتند: ای رسول خدا بین مهاجران تقسیم کن و آنان همچنان در خانه‌های ما بمانند. همه انصار گفتند: با این پیشنهاد موافقیم و می‌پذیریم. حضرت فرمود: «خدایا انصار و فرزندان انصار را رحمت فرما». آن‌گاه قسمتی از اموال آنان را بین مهاجران تقسیم کرد و به انصار، جز دو نفر [سهل بن حنیف و ابو دجانة انصاری]، که نیازمند بودند، به کس دیگر چیزی نداد» (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۷۹).

پیامبر اکرم ﷺ بدین وسیله، توانست انصار را به مشارکت در امور اقتصادی و ایجاد رفاه اقتصادی برای مهاجران تشویق نمایند. مهاجران نیز با دریافت وجوهاتی از بیت‌المال، به تدریج از منازل انصار بیرون رفتند و برای خود زندگی مستقل تشکیل دادند.

همچنین، پیامبر اکرم ﷺ به گونه‌ای با انصار برخورد می‌کردند که آنان حاضر شدند همه زندگی خود را با مهاجران تقسیم کنند و در این راه، از هیچ عملی دریغ نکنند. در صحیح بخاری آمده است:

هنگامی که مسلمانان به مدینه آمدند، پیامبر میان مسلمانان و از جمله عبدالرحمن عوف و سعد ربیع، پیمان برادری منعقد

کالاها را با قیمت ارزان تهیه و به مردم می‌فروشند. این امر، موجب خلل در نیازسنجی مشکلات و کالاهای موردنیاز مردم شده، در نتیجه به رفاه اقتصادی لطمه وارد می‌کند. مبارزه با این واسطه‌ها و حذف آنها و رسیدن مستقیم کالا به دست مردم، می‌تواند در رشد اقتصادی یک جامعه اهمیت بالایی داشته باشد.

پیامبر اکرم ﷺ مردم را از واسطه شدن برخوردار داشته، می‌فرمودند: «به استقبال کالا نروید تا وارد بازار شود» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۷) همچنین، می‌فرمود: «نباید فروشنده شهری، میانجی کالای روستایی شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۸، ح ۱).

منافع این کار آن است که اولاً، با کم‌شدن واسطه غیرمفید، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌شود. ثانیاً، صاحب کالا به علت ناآگاهی از بهای آن، در بازار، دچار غبن نمی‌شود. ثالثاً، با ورود کاروانیان به شهر، جنس در بازار عرضه شده و در اختیار همه مردم قرار می‌گیرد، نه اینکه یک گروه خاص و در بیرون از بازار عرضه گردد.

ب. نهی از احتکار

احتکار از منظر اسلام، به لحاظ اینکه قدرت خرید مردم و در نتیجه، رفاه اقتصادی جامعه را کاهش می‌دهد، حرام می‌باشد. احتکار، از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمانان مربوط است. جلوگیری از آن، از وظایف حکومت اسلامی است. احتکارکننده از سوی حکومت، اجبار می‌شود تا کالای خود را به بازار عرضه کند، آن را به فروش برساند.

امام صادق ﷺ به نقل از پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «واردکننده طعام از خداوند روزی می‌گیرد و انبارکننده طعام مورد لعن و دوری از رحمت حق است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۵، ح ۶). واژه «لعن» و دوری از رحمت خدا، هر گاه بدون قرینه یاد شود، بیانگر زشتی کار در حد حرمت است و احتکار هم با وصف ردیلت و خصلت فجّار توصیف شده است. بنابراین، احتکارکنندگان به کیفر اخروی تهدید شده‌اند که خود دلیل بر حرمت این کار است.

ج. نظارت بر بازار

فروش کالا در بازار اسلامی، این اطمینان را به مردم می‌دهد که آنان می‌توانند یک کالای خوب، باکیفیت و با قیمت مناسب تهیه کنند. البته، در این میان افراد سودجو هم وجود دارند که در روند گرانی کالاها و در نتیجه، کاهش قدرت خرید مردم بسیار مؤثر

بفرما. پیامبر فرمود: خیر! آن‌گاه به مهاجران گفتند: نخلستان‌ها هزینه ما را تأمین می‌کند. پس در ثمره آن شما را شریک می‌گردانیم. مهاجران با دیده منت آن را پذیرفتند» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۲۳).

بنابراین، انصار همواره سعی داشتند تا در همه اموال خود، مهاجران را شریک کنند و هیچ‌گاه مالی را از آنان دریغ نمی‌کردند.

پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر رعایت حال انصار و مهاجران، در پاسخ این همه محبت و فداکاری انصار، آنان را تکریم می‌نمود. و حتی ایشان به هنگام تقسیم غنائم طائف و پس از ناراحتی انصار، از نوع تقسیم غنائم، با آرام کردن انصار، به آنان فرمود: «ای گروه انصار، چرا در مورد مقداری مال دنیا که من خواستم با آن دل قومی را به دست آورم که مسلمان شوند آزرده‌خاطر شده‌اید، و حال آنکه من شما را با اسلامتان واگذاشتم؟ ای گروه انصار، آیا خشنود نیستید که مردم شتر و گوسفند ببرند و شما رسول خدا ﷺ را همراه خود ببرید؟ سوگند به کسی که جان محمد ﷺ در دست اوست، اگر مسئله هجرت نبود، من هم مردی از انصار بودم، و اگر همه مردم به راهی بروند و انصار به راهی دیگر، من راه انصار را خواهم رفت. امروز برای شما نامه‌ای می‌نویسم که پس از من اختصاصاتی را برای شما ثابت کند». انصار نیز در پاسخ پیامبر ﷺ گفتند: «ای رسول خدا، پس از شما ما را به دنیا نیازی نیست؟» پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «چنین نیست و شما پس از من نامالیماتی خواهید دید که باید صبر کنید تا خدا و رسول خدا را ملاقات کنید که وعده‌گاه شما حوض کوثر است».

سپس، انصار گفتند: «ای رسول خدا، ما به این بهره و قسمت خود سخت خشنود و راضی هستیم. پیامبر از پیش آنها برگشت و ایشان پراکنده شدند» (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۹۵۷ و ۹۵۸).

دلداری از انصار و ابراز محبت پیامبر، به انصار و دانستن جایگاه آنان در حوض کوثر، نقطه قوتی می‌شد تا گروه انصار بر این سختی‌ها فائق آیند و از مهاجران در خانه و کاشانه خود مهمان‌نوازی کنند. همچنین، تقویت ایمان انصار از راهکارهای پیامبر اکرم ﷺ در برطرف کردن مشکلات اقتصادی آنان و بخصوص مهاجران و رسیدن به رفاه اقتصادی در جامعه اسلامی بود.

۴. راهکارهای اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ

الف. حذف واسطه در فروش کالا

یکی از مهم‌ترین عوامل سوء اقتصادی، وجود واسطه‌هایی است که

شاغل را که برای رفاه اقتصادی خانواده خود تلاش می‌کند، به منزلهٔ مجاهد فی سبیل الله دانسته، و می‌فرماید: «آن کس که برای ادارهٔ عائله خود، خویشتن را به رنج می‌افکند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۲).

رسول اکرم ﷺ به کشاورزی و تجارت هم توجه داشت و دیگران را به این کار تشویق می‌کرد. ایشان در این خصوص، می‌فرماید: «خداوند، انسان سالم بیکار را، که نه به کار دنیا و نه به امر آخرت می‌پردازد، دشمن می‌دارد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۴۶).

و. تهیه وسایل موردنیاز مردم

در یک نظام اقتصادی، مردم برای اینکه بتوانند به رفاه اقتصادی برسند، باید کار مناسب پیدا کنند. حکومت اسلامی نیز باید وسایل موردنیاز آنان را تهیه نماید و در جهت رشد اقتصادی خانواده‌ها، به آنها امانت دهد. این امر، علاوه بر کاهش وابستگی مردم به غیرحکومت اسلامی، مردم را ترغیب به یافتن شغل مناسب و در نتیجه، بهبود وضعیت اقتصادی خود می‌کند. چنانچه پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ مردی که برای کمک گرفتن نزد ایشان آمده بود، فرمود:

هر که از ما کمک بخواهد، او را یاری می‌دهیم و اگر بی‌نیازی بوزرد، خداوند، او را بی‌نیاز سازد. این فرد، سه بار نزد پیامبر آمد و هر بار، همین سخن را شنید. سرانجام، با اطمینان و اعتماد به نفس گفت: «بر خدا تکیه می‌کنم» و با این نیت، تیشه‌ای به امانت گرفت، به جانب صحرا رفت. مقداری هیزم گرد آورد و فروخت. چند روز بعد توانست ابزار کاری فراهم سازد و باز به همین روش به پیش رفت تا سرمایه‌دار شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۷).

این روایت را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: جنبه اول، که از ظاهر حدیث نیز روشن است، تشویق پیامبر اکرم ﷺ به کار کردن و کسب روزی حلال است. اما جنبهٔ دیگری که در داخل حدیث نهفته است، در اختیار گذاشتن ابزار کار برای کسب روزی حلال است. کسی که کلنگ را به عاریه در اختیار شخص نیازمند قرار داد، در حقیقت کمک کرد تا در کنار ترغیب به کار کردن ابزار استقلال نیز در اختیار فرد نیازمند قرار گیرد، به گونه‌ای که آن فرد، با همین ابزار هر چند ساده، توانست به رفاه اقتصادی برسد.

ز. تعیین محلی برای بازار

در اسلام، به معاملات مردم و در نتیجه، بازارهای اسلامی که محل

هستند. این امر، نه تنها به زیان بازار اسلامی است، بلکه رفاه اقتصادی را نیز به مخاطره می‌اندازد.

در این راستا، حاکم اسلامی وظیفه دارد با نظارت بر بازار مسلمانان، بر روند معامله آنان و قیمت‌گذاری نظارت کامل داشته باشد. چنانچه پیامبر اکرم ﷺ، سعد بن عاص را بر بازار مکه و عمر را بر بازار مدینه، به نظارت گمارد (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴).

بنابراین، تعیین ناظر در بازارهای مکه و مدینه توسط پیامبر اکرم ﷺ، در حقیقت نظارت بر بازار دو شهر مهم اسلام و جلوگیری از کارهای افراد سودجو بود که این امر، در رفاه اقتصادی مردم بسیار حائز اهمیت است.

د. ترغیب به ارزان‌فروشی

ارزان‌فروشی، بدین معنا که فروشنده در فروش کالای خود، از کم‌ترین سود ممکن بهره بگیرد، می‌تواند مردم را به خرید کالای مناسب و موردنیاز، ترغیب کند. مردم به مرور زمان، به رفاه اقتصادی دست می‌یابند. بنابراین، حاکم اسلامی می‌تواند با ترغیب فروشندگان به ارزان‌فروشی، این روند را تسهیل ببخشد.

پیامبر اکرم ﷺ مردم را ترغیب به ارزان‌فروشی می‌کرد. چنان که ایشان به کسی که جنس ارزان‌تر از قیمت معمولی می‌فروخت، فرمود: «در بازار مسلمانان، ارزان‌تر می‌فروشی و برای ثواب، این کار را می‌کنی؟» پاسخ داد: «آری». پیامبر نیز به او مژده داد: «هر که بکوشد و بازار را (با ارزان‌فروشی) پر رونق کند، مانند کسی است که در راه خدا بیکار کرده است» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۵۵۹).

در این روایت، ارزان‌فروشی و رونق دادن به بازار، که از عوامل رشد رفاه اقتصادی مردم است، به مثابهٔ جهاد در راه خدا برشمرده شده است. این موضوع، به اهمیت بالای این عمل در نزد خداوند متعال اشاره دارد.

ه. حل مشکل بیکاری و تشویق به کار

اسلام، دشمن بیکاری است. انسان به حکم اینکه از جامعه بهره می‌گیرد و بهره می‌برد و به حکم اینکه، کار بهترین عامل سازنده فرد و اجتماع و بیکاری بزرگ‌ترین عامل فساد است، باید کار مفید انجام دهد. در دین اسلام، شغل و حرفه، علاوه بر اینکه یک تکلیف است، یک امر مقدس و محبوب خداوند است. چنانچه امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: «خداوند متعال مؤمن پیشه‌ور را دوست دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۱). همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرد

یک ملت، با پایه‌های اقتصادی و نظامی مستحکم، از هر جهت آمادگی روبه‌رو شدن با دشمنان را داشته باشد. سپس، با اقداماتی مناسب به بازستاندن حقوق اقتصادی مسلمانان اقدام نماید. به این عمل «اقتصاد تهاجمی» گویند.

در سیره نبوی این اقدام پس از استحکام قدرت اقتصادی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایجاد رفاه اقتصادی در جامعه، شکل گرفت؛ زیرا مسلمانان بسیاری بودند که اموال خود را به دلیل فشارهای کفار قریش در مکه، مصادره شده بود، به اجبار، خانه و کاشانه خود را رها کرده، به مدینه مهاجرت کرده بودند. اینان درصدد تقاص و پس گرفتن اموال خویش از قریش بودند و به آنان خبر رسیده بود که کاروان‌های قریش، ثروت زیادی به همراه دارند. طبیعی بود که از دست دادن این ثروت، در وضعیت اقتصادی کفار قریش، خلل ایجاد می‌کرد. از سوی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درصدد بود تا راه‌های تقویت اقتصادی دشمن را ناامن کنند و این امری، روشن است که هرگاه بین دو جبهه متفاوت جنگی در بگیرد و هیچ‌گونه پیمان صلحی میان آنان بسته نشده باشد، هر دو طرف در مرحله اول، قصد سست کردن پایه‌های اقتصادی همدیگر را داشته باشند. این عمل نه تنها موجب سست شدن روحیه نیروهای مقابل می‌گردید، بلکه با از هم پاشیدن قوای اقتصادی، شاکله نظامی و فرهنگی دشمن نیز از هم می‌پاشید. وضعیت اقتصادی قریش، پس از جنگ بدر بسیار نابسامان شد (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۷) و موجب شد تا قریش در تنگنای اقتصادی قرار گرفته، و برای خروج از این وضعیت به دنبال چاره بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درصدد فشار اقتصادی بر قریش بود. ایشان پس از برگشت از جنگ غابه، آگاه شدند که کاروانی از قریش از شام می‌آید. پس، زبیدن حارثه را همراه یکصد و هفتاد سوار روانه کرد. آنها کاروان قریش و هر چه را که در آن بود، گرفتند (ر.ک: همان، ص ۵۵۳).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این اقدام، توانست کاروان قریش را مصادره نموده، اموال مسلمانان را بازستاند. این عمل، در حقیقت نمونه بارزی از اقتصاد تهاجمی محسوب می‌شد و از اقتدار اقتصادی و نظامی حکومت اسلامی خبر می‌داد.

ب. تسلط بر اماکن اقتصادی مهم

هر ملتی برای استحکام بخشیدن به نیروی اقتصادی خود، سعی می‌کند تا شهرها و منابع اقتصادی مهم را بیابد و به آنان دسترسی

داووستد است، بسیار اهمیت داده می‌شود. این موضوع که مردم بدانند، در شهرهای اسلامی از کدام بازارها خرید کنند که مورد حمایت بیشتر حکومت اسلامی بوده، در انتخاب آنها بسیار کمک می‌کند. حکومت اسلامی، می‌تواند با تعیین محل‌هایی برای بازار، که کالاها را با قیمت مناسب به مردم عرضه کند، هم به مردم در راستای انتخاب اجناس کمک کند و هم در بهبود وضعیت اقتصادی آنها نقش بسزایی اجرا نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مکان‌یابی بازار نیز توجه داشت. چنان‌که ایشان در مواجهه با فردی که نزد وی آمد، گفت: «محلّی را برای بازار در نظر گرفتیم، ملاحظه نمی‌فرمایید؟»، برخاست و همراه وی رفت تا به آنجا رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دیدن محل بازار، فرمود: «اینجا بازارگاه خوبی است» زبان نداشت و خراج هم بر شما بسته نمی‌شود» (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۲۶۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تعیین محلّی مناسب برای بازار و عدم گرفتن خراج، حمایت حکومت اسلامی از آن محل را برای بازار شدن اعلام داشت تا مردم با خرید از این اماکن، علاوه بر رضایت از محل خرید و فروش در راستای بهبود وضع اقتصادی خود گام بردارند.

۵. اقتصاد تهاجمی

پس از اینکه حاکم اسلامی توانست، پایه‌های اقتصادی یک جامعه را مستحکم کند، می‌تواند برای پیشرفت این اقتصاد و زیر سلطه آوردن ابرقدرت‌ها و تسلط بر آنها، قدمی رو به جلو بردارد و با اقدام به اقتصاد تهاجمی، قدرت واقعی اقتصاد اسلامی را به دشمنان اسلام نشان دهد. این امر، وقتی صورت می‌پذیرد که مسلمانان در زیر یک پرچم واحد، توانسته باشند یک قدرت اقتصادی و اسلامی را تشکیل داده باشند. سپس، حاکم اسلامی می‌تواند با اقداماتی مناسب، به اقتصاد تهاجمی دست بزند که در ذیل به آنها اشاره می‌نماییم.

الف. بازستاندن اموال مسلمانان

در یک مسیر رو به رشد در اقتصاد اسلامی، همواره عواملی برای تضعیف این اقتصاد وجود داشته، و مانع از حرکت می‌شدند. یکی از این عوامل، غارت اموال مسلمانان توسط دشمنان اسلام بود که تأثیر بسزایی در کاهش رفاه اقتصادی امت مسلمان داشت. از سوی دیگر، عدم قدرت بر بازستاندن این اموال، مانعی دیگر برای حاکم اسلامی محسوب می‌شود تا نتواند حق مردم را به آنان برگرداند.

برای رسیدن به این قدرت و بازستاندن حق مسلمانان، ابتدا باید

د. تحریم اقتصادی دشمنان

یک نظام اقتصادی هدفمند، وقتی به اقتدار کامل می‌رسد که نه تنها رفاه اقتصادی امت مسلمان را تأمین کند، بلکه بتواند با تحریم دشمنان، آنان را به زیر سلطه خود درآورد. این عمل با تحریم و سیطره کامل اقتصادی بر دشمنان میسر می‌شود. طبیعی است که تحریم وقتی مؤثر خواهد بود که از موضع قدرت و با سیاست اقتصادی مناسب، صورت پذیرد.

پیامبر اکرم ﷺ پس از تأمین رفاه اقتصادی و اقدامات مطلوبی که در مسیر اقتصاد تهاجمی و فشار بر کفار قریش انجام داد، در آخر با تحریم قریش، عملاً آنان را به زیر سلطه خود درآورد.

پیامبر ﷺ در ضمن عهدنامه‌هایی که به‌خاطر همبستگی و برادری دینی مسلمانان، با قبیله‌های مختلف می‌بست، به تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی بین قبیله‌های اسلامی و همچنین، روابط بین مسلمانان و یهودیان و مشرکان مدینه می‌پرداخت. در مفاد یکی از این عهدنامه‌ها آمده است: «یهودیان نباید با قریش و کسانی که آنان را نصرت دهند، تجارت کنند و [همراه مسلمانان] با کسی که به یثرب حمله کند، خواهند جنگید» (خشنی، ۱۳۲۹ق، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۴؛ ابن کثیر، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۳۲۰-۳۲۳).

در این عهدنامه، پیامبر اکرم ﷺ در حقیقت، با منع یهودیان از تجارت، قریش را تحریم کرده و قدرت اقتصادی اسلام را به تمامی کفار نشان می‌دهد که چگونه دین اسلام، با یک نظام هدفمند اقتصادی، توانست از زیر بار فشارهای اقتصادی دشمنان بیرون آمده، خود بتواند دشمنان را تحریم اقتصادی نماید.

نتیجه‌گیری

اقتصاد اسلامی، یکی از مهم‌ترین ارکان یک نظام اسلامی محسوب می‌شود. آفرینش یک حماسه اقتصادی، وقتی صورت می‌گیرد که سیره اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ، به عنوان یک حاکم اسلامی در جامعه محقق شود. پیامبر ﷺ با اقدامات خود، درصدد ایجاد یک ساختار و الگوی مناسب برای رسیدن به اقتصادی اسلامی بود.

اقتصاد مقاومتی پیامبر اکرم ﷺ در ابتدای حکومت نمونه بارز عملکرد ایشان، در زمان تحریم اقتصادی محسوب می‌شود. پیامبر ﷺ با استفاده از عقاید مذهبی قریش، تکیه بر یاران خود، عدم اعتماد بر قریش و دشمنان اسلام و استفاده از منابع موجود، یک

داشته باشد. بنابراین، برای استحکام پایه‌های اقتصادی یک ملت، باید این شهرها و اماکن را پیدا کرد و با سیاست و اقتدار کامل از دستیابی دشمنان به این منابع اقتصادی، ممانعت به عمل آورد.

پیامبر اکرم ﷺ نیز از این سیاست اقتصادی - نظامی بهره جست و توانست با تسط بر ساحل دریا، بازار مهم اقتصادی دشمن را به دست بگیرد. کفار قریش هم که کار تجارت را سخت می‌دیدند، با خود می‌گفتند: «محمد ﷺ و دوستانش کار تجارت را بر ما تلخ و ناگوار می‌گردانند و ما نمی‌دانیم با پیروانش چگونه برخورد کنیم؛ چون آنان - هیچ‌گاه - ساحل دریا را ترک نمی‌کنند و مردم ساحل نیز با آنان از در صلح و صفا در آمده و با هم دوست هستند» (ر.ک: واقدی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۷).

پیامبر اکرم ﷺ با شناخت کافی از اینکه ساحل دریا، یکی از اماکن اقتصادی مهم قریش محسوب می‌شد، توانست علاوه بر دوستی با مردم ساحل، تجارت با آنان را راه بیاندازد. در حقیقت، راه تجارت قریش و رسیدن آنها به ساحل دریا را بست تا با این اقدام، ضربه‌ای مهلک بر اقتصاد قریش وارد نماید.

ج. آگاهی کامل از اقدامات اقتصادی دشمن

در یک نظام اقتصادی مستحکم، آگاهی از تحرکات اقتصادی دشمنان و اقدام متناسب و مقابله با آن، بسیار اهمیت دارد. اگر حاکم اسلامی بتواند از اهداف اقتصادی دشمنان پرده بردارد، این امکان را فراهم می‌کند تا با یک اقدام اقتصاد متقابل و تهاجمی، راه را بر دشمنان بسته، از این اقدام آنها به نفع حکومت اسلامی بهره بگیرد. یکی از عوامل مهم در فهم تحرکات دشمن، استفاده از نیروهای نفوذی است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز توسط سلیمان بن نعمان از خبر حرکت کاروان قریش آگاه شد و بدون اتلاف وقت، یکصد سوار را تجهیز و در اولین لحظه ورود کاروان بر سر چشمه‌ای در نجد به نام «قرده»، آنان را غافلگیر کرد و بر همه مسلط گردید. کاروانیان، کمترین مقاومتی از خود نشان ندادند و پا به فرار گذاشتند و غنیمت فراوانی از ظروف و نقره در حدود یکصد هزار درهم، به دست مسلمانان افتاد. پیامبر ﷺ پس از جدا کردن خمس آن، بقیه را میان سربازان آن سریه تقسیم کرد» (ر.ک: واقدی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۹۸).

بنابراین، پیامبر اکرم ﷺ با استفاده از نیروهای نفوذی خود در بین دشمنان و استفاده مناسب از اخبار رسیده، ضربه‌ای مهلک را به دشمنان وارد نمود، توانست پایه‌های مهم اقتصادی قریش را در هم ریزد.

.....منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین (ع).
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن ادريس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن زنجویه، ابواحمد حمید بن مخلدین، ۱۴۰۶ق، الأموال، عربستان، الدراسات الاسلامیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۳۸۴ق، السیره النبویه، قاهره، عیسی البابی الحلبي و شرکاء.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، صحیح بخاری، بی جا، دار طوق النجاة.
- حسنى، هاشم معروف، ۱۴۱۶ق، سیره المصطفى نظرة جدیدة، ترجمه حمید ترقی جاه، بیروت، دارالتعارف.
- حلی، برهان الدین، بی تا، السیره الحلیه فی سیره الامین المؤمن انسان العیون، بیروت، دارالمعرفه.
- حلی، احمد بن محمد بن فهد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، بی جا، دار الکتب الاسلامیه.
- خسنى، ابوذر بن محمد بن مسعود، ۱۳۲۹ق، شرح السیره النبویه، مصر، مطبعه هندیه بالموسکی.
- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج).
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اعظم (ص) چ بیست و یکم، قم، بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۱ق، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۰۴ق، المعجم الکبیر، ج دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۳۹۰ق، کشف الریبه، ج سوم، بی جا، المرتضوی للنشر.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۵، «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۳، ص ۱۵۷-۱۸۶.
- واقفی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج دوم، تهران، نشر دانشگاهی.
- ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

الگوی مناسب را برای اقتصاد مقاومتی ارائه داد. پس از خروج از تحریم اقتصاد دشمنان، نخستین گام، ممانعت از سیطره مجدد اقتصادی دشمنان است که این عمل، با اتحاد داخلی و تشکیل امت واحد اسلامی امکان پذیر می باشد. پیامبر اکرم (ص) نیز با صلح بین اوس و خزرج و نابودی سیطره اقتصادی یهود، به اقدام دست زد. در مرحله بعد، تأمین رفاه مردم از مهم ترین اهداف یک نظام اقتصادی محسوب می شود. پیامبر اکرم (ص) با نیازسنجی مردم، تقویت ایمان، تقسیم عادلانه بیت المال و ارائه راهکارهای اقتصادی مناسب، درصدد تأمین رفاه و آسایش مردم برآمد. پس از استقرار و ثبات اقتصادی در جامعه، آخرین گام، اقتصاد تهاجمی و زیر سلطه آوردن دشمنان اسلام است که پیامبر اکرم (ص) به با بازستاندن اموال مصادره شدن مسلمانان، تسلط بر اماکن اقتصادی مهم، آگاهی کامل از تحرکات اقتصادی دشمنان و در نهایت، تحریم اقتصادی آنها، توانست تسلط حکومت اسلامی را بر کفار قریش بر همگان روشن کند. در مجموع، پیامبر (ص) در دوران حکومت خود، توانست یک نظام اقتصادی جامع را پایه ریزی کند و در با ارائه الگوی مناسب در پی ریزی یک نظام اقتصادی، حماسه ای اقتصادی در دین اسلام بیافریند.